

رفع ممنوعیت ازدواج زنان ترک با اتباع ایرانی در چارچوب بهبود روابط ترکیه و ایران در دوره آتاتورک^۱

شعبان اورتاک^۲
 مترجم: نسرين نگاهبان^۳

چکیده:

روابط ترکیه و ایران در سایه رقابت‌های سیاسی و مذهبی گسترش یافت. در این رقابت نفوذ عصیان‌های شیعی و مالکیت رسمی دولت ایران بر این مذهب در دوره صفویه، جدایی در روابط ترکیه و ایران را عمیق‌تر کرد.

این اختلاف مذهبی نه تنها بر روابط سیاسی دو دولت؛ بلکه بر زندگی اجتماعی جوامع نیز تأثیر گذاشته است. بنابراین شهروندان ایرانی دارای ریشه‌های شیعی (شیعه‌الاصل) مشمول اعمالی چون: عدم امکان ازدواج با زنان مسلمان، عدم امکان تحصیل املاک، عدم امکان تأسیس بنیاد وقف، اعمال مقررات جداگانه در رویه‌ها و معاملات گمرکی و

1. ATATÜRK DÖNEMİNDE TÜRKİYE-İRAN İLİŞKİLERİNİN İYİLEŞMESİ ÇERÇEVESİNDE TÜRK KADINLARININ İRAN VATANDAŞLARI İLE EVLENME YASAĞININ KALDIRILMASI

این مقاله در نهمین کنگره آتاتورک در سال ۲۰۱۹ ارائه شده است.

2. Prof. Dr Şaban ORTAK. Afyon Kocatepe Ün. Eğitim Fak. Türkçe Sosyal Bilgiler Eğitimi Böl. sor-tak33@yahoo.com

۳. کارشناس علوم سیاسی از دانشگاه تهران، بازنشسته (معاون اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات در آرشيو ملی ایران) negahban_na@yahoo.com

انتقال اموال ایرانیان فاقد وارث به دولت قرار داشتند.

اگر چه قبلاً هم چنین ممنوعیتی وجود داشت؛ اما با دستور صادره از امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۲۲ اتباع زن عثمانی از ازدواج با مردان ایرانی منع شدند. این ممنوعیت با انتشار آئین‌نامه «تداوم ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عثمانی و اتباع دولت ایران» در سال ۱۸۷۴ تقویت شد. علی‌رغم این ممنوعیت‌ها دیده می‌شد که مردان ایرانی و زنان تبعه عثمانی با هم ازدواج کرده‌اند.

روند سکولاریزاسیون سرعت گرفته ناشی از اصلاحات بعد از اعلام جمهوری در ترکیه و سیاست‌های غرب‌گرایانه و سکولار رضاشاه که در سال ۱۹۲۶ قدرت را در ایران به‌دست گرفته بود موجب تلطیف روابط دو کشور در سایه درگیری‌های مذهبی گردید. بر اساس قانون مدنی ترکیه که در ۱۵ فوریه ۱۹۲۶ پذیرفته و در ۴ آوریل ۱۹۲۶ منتشر گردید سیستم سکولار (لائیک) بر عرصه حقوق مدنی ترکیه حکمفرما شد. این قانون هیچ‌گونه محدودیتی برای ازدواج با اتباع سایر کشورها من جمله ایران ندارد. بر اساس قانون شماره ۸۲۴ مصوب ۲۶ آوریل ۱۹۲۶ و منتشره در ۵ می ۱۹۲۶ ممنوعیت ازدواج زنان ترک با شهروندان ایرانی لغو شد.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، ایران، شیعه، سنی، ممنوعیت ازدواج

مقدمه:

ارتباط بین دولت‌ها بر اساس هماهنگی یا عدم هماهنگی منافع و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد. به‌دست آوردن قلمرو، رقابت سیاسی و نظامی، کسب منافع اقتصادی، انتشار فرقه، دین و ایدئولوژی و عواملی از این قبیل بر ایجاد هماهنگی یا عدم هماهنگی تأثیرگذار هستند. اگر نگاهی به سیر تاریخی روابط ترکیه و ایران بیندازیم می‌بینیم گرچه دوره‌های طولانی صلح وجود دارد؛ اما به دلایلی چون به‌دست آوردن سرزمین و افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی، جنگ و درگیری هم رخ داده است. پس از آنکه شاه اسماعیل به‌طور رسمی تشیع را پذیرفت و نام دولت ایران را به دولت صفوی تغییر داد «رقابت مذهبی» هم به دلایل فوق اضافه شد. این رقابت چه همراه با دلایل دیگر و

چه بدون آنها به‌عنوان یک اختلاف در روابط ترکیه و ایران تاکنون ادامه داشته و بر آن تأثیر گذاشته است. این وضعیت، زندگی اجتماعی جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و اختلافات مذهبی باعث ممنوعیت ازدواج شهروندان زن عثمانی با شهروندان ایرانی می‌شود.

۱. روند تاریخی روابط ترکیه و ایران

در ربع اول قرن هجدهم جنگ برای تاج و تخت و تصرف بخشی از خاک ایران توسط افغان‌ها موجب تزلزل دولت صفوی گردید. در این محیط، نادر شاه که به درخواست عباس میرزا (شاه طهماسب دوم) به فرماندهی نیروهای گارد رسیده بود به زودی اقتدار خود را در کشور تثبیت کرد و با لشکرکشی علیه ارتش عثمانی و افغان‌ها سرزمین‌های تحت سیطره خود را افزایش داد. نادر شاه در ۸ مارس ۱۷۳۶ با اقتدار سلسله صفویه را سرنگون کرد و ترکان افشار اداره کشور را در ایران به‌دست گرفتند. از جمله اقدامات نادر شاه در موضوع مورد نظر ما پذیرش فرقه جعفری به جای شیعه در اداره کشور و تصویب تفاهم‌نامه‌ای با گرد هم آوردن علمای شیعه و سنی در نجف بود. گرچه این تلاش موفقیت‌آمیز نبود؛ اما در دوران نادر شاه و شاهان بعدی قاجار فضای ملایمی در روابط ایران و عثمانی به‌وجود آمد.^۱ این به آن معنا نیست که بین دو کشور هیچ مشکلی وجود نداشت. هرازچندگاهی به دلایلی چون اخلال در مرزها، مشکلات ناشی از عشایر و اشغال قفقاز توسط روسیه و دلایلی از این قبیل درگیری و جنگ رخ می‌داد. به‌علت شورش یونان و دیگر مشکلات داخلی، امپراتوری عثمانی خواهان بهبود روابط خود با ایران بود؛ لذا با مداخله روسیه و انگلیس معاهده ارزروم در سال ۱۸۲۳ امضا شد. با این معاهده سعی شد مرز ایران و عثمانی به تفصیل مشخص شود و برای مقابله با اخلالات عشایر در مرزها تدابیری اخذ شود. در سال ۱۸۷۴ معاهده دوم با محتوایی مشابه به امضا رسید. در کنار مسائلی چون جلوگیری از اخلالات و تجاوز عشایر در مناطق خود

1. Mehmet Saray, *Türk-İran İlişkileri*, Atatürk Araştırma Merkezi Yay., Ankara, 1999, s. 68-70; Azmi Özcan, "Nâdir Şah", TDV İslam Ansiklopedisi, C 32, TDV Yay., İs-tanbul, 2006, s. 276-277.

تصمیم گرفته شد با حاجیان و زوار (کسانی که برای زیارت اماکن مقدس شیعیان به عراق می‌روند) در سرزمین عثمانی برخورد مزاحم و ناراحت کننده‌ای صورت نگیرد و قرار شد بر اساس ارزش واقعی کالاهای آنها مالیاتی اخذ نشود. همچنین قرار شد اجناس تجاری تجار فوت شده در سرزمین عثمانی تا رسیدن مالکان آنها محافظت و ثبت شود. اگرچه تفاوت مذهبی در معاهدات جلب توجه می‌کند؛ اما هیچ ماده‌ای در مورد ازدواج یا عدم ازدواج شهروندان دو کشور که موضوع بحث ماست وجود ندارد.^۱

اگر چه در دوره بعد هرازچندگاهی مشکلاتی به وجود آمد؛ اما بروز تحولات خوب در روابط ترکیه و ایران ادامه یافت. با وجود اینکه یک بحران در خصوص زیارت وجود داشت؛ اما مشکل از طریق مذاکره حل شد. برای مثال ناصرالدین شاه که در همه گیری وبا در ایران بیمار شده بود پس از بهبودی نذر کرده بود که به زیارت اماکن مقدسه کربلا و نجف برود. باین حال اگرچه امپراتوری عثمانی به دلیل نگرانی از افزایش نفوذ شیعیان از چنین زیارتی در سرزمین‌های خود استقبال نمی‌کرد؛ اما این زیارت در سال ۱۸۷۰ و با تضمین شاه در خصوص تدابیر اخذ شده و اینکه حادثه‌ای رخ نخواهد داد، انجام شد. علاوه بر این شاه ایران در بازگشت از سیاحت اروپایی خود از استانبول دیدن کرد. این رویداد از نظر نشان دادن نقطه‌ای که روابط دو کشور به آن رسیده حائز اهمیت است.^۲

علی‌رغم این سفر زیارتی و همگرایی در روابط سیاسی تأثیر اختلافات مذهبی بر روابط دوجانبه ادامه یافت به گونه‌ای که فعالیت‌های ضد عثمانی دولت ایران و اقداماتی که باید علیه آنها انجام شود در گزارش مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۰۹ که به دولت و سلطان [عثمانی] ارائه شده منعکس شده است. در این گزارش اشاره شده در زمانی که فعالیت‌های مسیحیان علیه مسلمانان افزایش یافته و جوامع اسلامی باید قدرتش را با هم یکی کنند و به هم بپیوندند باید سیاست محتاطانه در قبال ایران داشت که با ادامه رافضی‌گری و جدائی از امپراتوری عثمانی سعی در گسترش این مذهب [شیعه] در جامعه عثمانی

1. Başkanlık Osmanlı Arşivi (BOA), A.DVN.DVE.d, No: 043/1 (İran Nişan Defteri), s. 1-5; Abdolvahid Soofizadeh, "I. ve II. Erzurum Antlaşmalarının Siyasi Açısından Değerlendirilmesi", Tarih Araştırmaları Dergisi, S 54 (2013), s. 183-194.

2. Mehmet Saray, a.g.e., s. 86-89.

و حتی محافظت از آرامنه دارد و توصیه شده برای جلوگیری از آن و مقابله با تبلیغات مذهبی، باید علمای سنی را به آن مناطق اعزام کرد.^۱ آغاز قرن بیستم برای هر دو کشور خوب نبود. در زمانی که امپراتوری عثمانی جنگ‌هایی را تجربه می‌کرد که یکی پس از دیگری شکست می‌خوردند، ایران هم در حین جنگ جهانی اول دچار آشفتگی و اشغال داخلی بود. در طول جنگ جهانی اول عثمانی و ایران به هم نزدیک شدند. پس از تصرف قصر شیرین توسط ارتش روسیه انور پاشا^۲ معاون فرمانده کل قوا به بغداد آمد و با نظام السلطنه فرمانده کل قوای ایران ملاقات کرد. پس از این مذاکرات مقرر شد مردان دارای تابعیت ایرانی مقیم سرزمین عثمانی (از جمله افرادی که خارج از محدوده آئین نامه ۱۸۷۴ بودند) به ارتش عثمانی بپیوندند.^۳ در پی مذاکرات قرارداد اتحادی بین نظام السلطنه و انور پاشا معاون فرمانده کل قوا در ۲۵ می ۱۹۱۶ امضا شد که هدف آن همکاری علیه روس‌ها بود.^۴

۲. جنبه مذهبی ممنوعیت ازدواج زنان تبعه عثمانی با اتباع ایرانی

اساس ممنوعیت ازدواج اتباع عثمانی با اتباع ایرانی به علت دلایل مذهبی است. آیه ۲۲۱ سوره بقره در قرآن کریم یکی از دلایل اصلی این امر است. معنای آیه چنین است: «با زنان بت‌پرست ازدواج نکنید مگر اینکه ایمان بیاورند؛ حتی اگر شما او را دوست داشته باشید. قطعاً یک صیغه (کنیز) مؤمن بهتر از یک زن بت‌پرست است و زنان خود را به ازدواج با مردان بت‌پرست در نیاورید؛ مگر آنکه ایمان بیاورند؛ حتی اگر شما او را دوست داشته باشید. قطعاً یک غلام مؤمن بهتر از یک بت‌پرست است. آنها

1. Arşiv Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri, Başbakanlık Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı Yay., Ankara, 2010, s. 414-423.

2. Envar paşa

3. Han Melik Sasanî, Payitahtın Son Yıllarında Bir Sefir, (Tercüme: Hakkı Uygur), Klasik Yay., İstanbul, s. 88-90.

4. Arşiv Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri, s. 542-551.

۵. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۲۱

(مشرکان) دعوت به دوزخ می‌کنند. در مقابل خداوند به اذن و یاری خود به بهشت و مغفرت دعوت می‌کند. خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند باشد که بیندیشند.»^۱ همچنین مفاد سوره ممتحنه مؤید آیه فوق است. آنجا که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان با ایمان از راه هجرت نزد شما آمدند آنها را بیازمائید، خداوند به ایمان آوردن آنها دانتر است. اگر متوجه شدید که آنها مؤمن هستند آنها را به سوی کافران بازنگردانید زیرا نه اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان.»^۱ ورده‌ید آو

با توجه به این آیات و نیز احادیث مشابه حقوقدانان اسلامی در موضوع ازدواج احکامی را صادر کرده‌اند. اگرچه موضوع ازدواج و نکاح با جزئیات زیادی در قوانین و حقوق اسلامی تنظیم شده است؛ اما با توجه به بخشی که به موضوع مقاله مربوط می‌شود مفاد زیر قابل توجه است:^۲ مردان مسلمان می‌توانند با زنان مسلمان و زنان اهل کتاب ازدواج کنند؛ اما نمی‌توانند با زنانی که بت پرست یا مشرک هستند ازدواج کنند. اگر زن مسلمان بود می‌تواند با مرد مسلمان ازدواج کند؛ اما با مرد مشرک و یا اهل کتاب نمی‌تواند ازدواج کند.

اساس ممنوعیت ازدواج زنان عثمانی و اتباع ایرانی به علت اختلاف مذهبی در اسلام یعنی تمایز بین اهل سنت و خارج از آن است. مفهوم «اهل سنت» و به عبارت دیگر «اهل سنت و الجماعه» برای «کسانی که راه پیامبر و اصحابش را در مسائل اساسی دینی می‌پیمایند» به کار می‌رود. از نظر علم کلام پیروان اهل سنت «سنی» به «کسانی که عقیده استوار و راستین دارند» اطلاق می‌شود و از نظر اصول اعتقادی به دو شعبه تقسیم می‌شوند. اشاعره که پیرو ابوالحسن اشعری هستند و ماتریدی‌ها که توسط ابومنصور ماتریدی شکل گرفته‌اند. به غیر اینها «اهل بدعت» می‌گویند. معتزله، مرجئه، مشبهه، فلاسفه، خوارج و شیعه نمونه‌هایی از این دست هستند.^۳

۱. قرآن کریم. سوره ممتحنه. آیه ۱۰.

2. Fetâvâ-yı Hindiyye (Fetâvâ-yı Alemgiriyye), C 2, (Tercüme Eden: Mustafa Efe, Yay. Haz: İsmail Karakaya), Akçağ Yay., Ankara, Tarihsiz, s. 297-300.

3. Yusuf Şevki Yavuz, "Ehl-i Sünnet", TDV İslam Ansiklopedisi, C 10, TDV Yay., İstanbul, 1994, s. 525-530.

به‌ویژه مسائلی مانند اینکه آیا سه خلیفه (ابوبکر، عمر و عثمان) را می‌توان به‌عنوان خلیفه بین سنی و شیعه پذیرفت و توهین به عایشه قرنهایست که موضوع بحث و جدل بوده‌اند. علی‌رغم این باز هم در طول تاریخ سعی شده این دو مذهب به هم نزدیک شوند. نادرشاه در سال ۱۷۴۶ علمای سنی و شیعه را گردآورد و سعی کرد راه حلی برای این موضوع پیدا کند. در متن مطابقات که در جلسه نجف نوشته شده است آمده که مردم ایران عقاید قدیمی خود در مذهب جعفری را رها کنند و به سه خلیفه و عایشه توهین نکنند و سنی‌ها نیز مذهب جعفری را داخل دایره اسلام و مکتب برحق بشناسند. با این حال، این اقدام و تلاش‌های مشابه نتیجه نداد و مبارزه بین طرفداران دو مذهب و دولت‌هایی که رسماً این مذاهب را پذیرفته‌اند تا امروز نیز ادامه دارد.^۱

۳. ممنوعیت ازدواج زنان عثمانی با اتباع ایرانی

اگرچه این ممنوعیت که زنان شهروند عثمانی نمی‌توانند با شهروندان ایرانی ازدواج کنند با «امریه» صادر شده در سال ۱۸۲۲ نهائی و تشدید شد؛ اما کارن. م. کرن^۲ در پایان‌نامه دکترای خود که در این زمینه تهیه کرده است اظهار داشته که اشتباه نخواهد بود که فکر کنیم این ممنوعیت از ابتدای قرن ۱۶ میلادی یعنی زمانی که تمایز فرقه‌ای شیعه و سنی عمیق‌تر شده، وجود داشته است.^۳ در بیانیه‌ای که در نظام حقوق عثمانی تحت عنوان «فرمان عالی خط همایونی» در زمان سلطنت محمود دوم^۴ در ۱۱ ربیع‌الآخر ۱۲۳۷ (۵ ژانویه ۱۸۲۲) صادر شد ازدواج اتباع ایرانی با اتباع زن عثمانی ممنوع شد. در زمینه ازدواج تمام مسلمانان و افرادی که نکاح را جاری می‌کنند، هر کسی که در زمینه فرمان

1. İlyas Üzüm, «Takrîbü'l-Mezâhib», TDV İslam Ansiklopedisi, C 39, TDV Yay., İstanbul, 2010, s. 467-469; Nadir Devlet, a.g.e., s. 69-71.

2. Karen M. Kern

3. Tülay Ercoşkun, Osmanlı İmparatorluğu'nda 19. Yüzyılda Evlilik ve Nikâha Dair Düzenlemeler, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış Doktora Tezi, Ankara, 2010, s. 143; "Karen M. Kern, The Prohibition of Sunni-Shi'i Marriages in the Ottoman Empire: A Study of Ideologies", Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi, C 3, S 5 (2005), 849-854.

4. Sultan II. Mahmud



125843020...



عالی سهل انگاری، جهالت و بی تفاوتی کند شامل موارد زیر است:^۱
 در حالی که برای همه مسلمانان واجب است که دین افرادی را که می خواهند با آنها ازدواج کنند را بشناسند و در مورد مذهب و عقاید آنها بررسی کرده و اطلاع حاصل کنند، برخی از افراد ناآگاه در موقعیت‌هایی قرار می گیرند که با اعتقادات دینی و نشانه‌های اسلام آنها سازگار نیست. آنها در خصوص فرزندان و نوه‌های خود دقت نمی کنند که با چه افرادی ازدواج می کنند. اصل و نسب و محل زندگی آنها را نمی شناسند و تحقیق نمی کنند. چنین وضعیتی موجب نعوذ بالله تغییر مذهب و خسران و ضرر در دو عالم دنیا و آخرت خواهد شد. مشخص شده است که تعدادی از ایرانیان و زنان اهل سنت که ازدواج کرده‌اند دستگیر و زندانی شده‌اند. از آنجایی که افراد جاهل و ناآگاه از احکام شرعی در مورد ازدواج «کما هی حقها» به اندازه لازم نمی دانند ممکن است بخواهند با افراد ناشناسی که اصل و نسل و نسب آنها را نمی شناسند ازدواج کنند. در این مورد امام محله که عقد را -که سنت پیامبر اکرم (ص) است- منعقد می کند باید در مورد اصل و نسب افرادی که می خواهد آنها را عقد کند تحقیق کند و عقد زمانی انجام شود که به این نتیجه برسد که هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. در حال حاضر در استانبول و اطراف آن ائمه محله هیچ تحقیقی نمی کنند و لذا برخی زنان سنی با ایرانی‌ها و نیز افراد مجهول‌النسب ازدواج کرده‌اند و این امر باعث گرایش جاهلان به مذاهب شیعه و رافضی می شود. معاذ الله اگر این وضعیت بعد از این اتفاق بیفتد مسبب این اتفاقات، کسانی که جرأت کرده‌اند اجازه این ازدواج را بدهند و ائمه محله‌ای که این عقد نکاح را جاری کرده‌اند به شدت مجازات خواهند شد. در همین راستا خط همایون با فرامینی به زنان ولایات ثلاثه (استانبول، ادیرنه و بورسا)^۲ ابلاغ شد. حاکمان شرع این ائمه محله را فراخوندند و به آنها گوشزد کردند که اعلام کنند کسانی که به چنین افراد مجهول‌النسبی

فصلنامه پژوهش‌های زنانه در تاریخ / سال چهارم / زمستان ۱۴۰۲ / شماره ۱۲

۱۱۰

1. BOA. A.DVN.DVE.d, No: 043/1, s. 26-27; Sarkis Karakoç, Külliyyât-ı Kavânin Fih-rist-i Tarihi, (Kavânin ve Nizâmât ve Ferâmin ve Bervât ve İrâdât-ı Seniyye ile Muâhedât ve Umûma Ait Mukâvelâtü Muhtevîdir) C 1 (16 Muharrem 855 - 3 Şaban 1293, 1451-1876), Yay.Haz: M. Âkif Aydın, Fethi Gedikli, Mehmet Akman, Ekrem B. Ekinçi, M. Macit Kenanoğlu, TTK.Yay., Ankara, 2006, s. 95; Tülay Ercöşkun, a.g.t., s. 142-145.
 2. İstanbul, Edirne ve Bursa

دختر بدهند و سبب این وضعیت بشوند و این جسارت را بکنند به شدت مجازات خواهند شد. همچنین به آنها بگویند امامانی که بر خلاف این امریه عقد را جاری کنند به شدت مجازات خواهند شد. «فرمان عالی» با این هشدار خاتمه یافته که «از این به بعد کمال قوت به عمل آید که معاذالله تعالی اسباب استحصال این ریسمان باطل واقع نشود.» همان گونه که از محتوای «فرمان عالی» فهمیده می شود: اگرچه از قدیم‌الایام ازدواج زنان اهل سنت با مردان شیعه ممنوع بوده است؛ اما در آن زمان رایج بود که برخی از افراد دختران و نوه‌های خود را بدون بررسی و تحقیق در مورد مذهب و اصل و نسب به ازدواج افرادی که معلوم نبود فرزند چه کسانی هستند، درمی آوردند و به همین سبب این بیانیه انتشار یافت. به خصوص پس از اینکه مشخص شد برخی از مردان ایرانی که



دختر بدهند و سبب این وضعیت بشوند و این جسارت را بکنند به شدت مجازات خواهند شد. همچنین به آنها بگویند امامانی که بر خلاف این امریه عقد را جاری کنند به شدت مجازات خواهند شد. «فرمان عالی» با این هشدار خاتمه یافته که «از این به بعد کمال دقت به عمل آید که معاذالله تعالی اسباب استحصال این ریسمان باطل واقع نشود.» همان گونه که از محتوای «فرمان عالی» فهمیده می‌شود؛ اگرچه از قدیم‌الایام ازدواج زنان اهل سنت با مردان شیعه ممنوع بوده است؛ اما در آن زمان رایج بود که برخی از افراد دختران و نوه‌های خود را بدون بررسی و تحقیق در مورد مذهب و اصل و نسب به ازدواج افرادی که معلوم نبود فرزند چه کسانی هستند، درمی‌آوردند و به همین سبب این بیانیه انتشار یافت. به خصوص پس از اینکه مشخص شد برخی از مردان ایرانی که دستگیر و زندانی شده بودند با زنان اهل سنت مزدوج بوده‌اند، این ممنوعیت مجدداً یادآوری شد. در «فرمان عالی» با تأکید بر اینکه ازدواج مردان ایرانی با زنان عثمانی سنی مذهب از نظر شرعی حرام است و موجب خطر فساد در جامعه و خسران در دنیا و آخرت می‌شود، افرادی که چنین ازدواجی می‌کنند، افرادی که اجازه چنین ازدواجی را می‌دهند و کسانی که این عقد را جاری می‌کنند به اشد مجازات تهدید شده‌اند. با بررسی متن «فرمان عالی» مشاهده می‌شود که در این بیانیه موضوع ازدواج تماماً وابسته به اختلاف دین و مذهب نگارش یافته است.

با این حال روند طی شده در امپراتوری عثمانی در قرن ۱۹ با توجه به فرامین تنظیمات و اصلاحات، موجب استفاده این امپراتوری از سیستم حقوق لائیک فرانسوی در قانون جزا شد. قانون جزای عثمانی که برگرفته از فرانسه بود به عنوان اولین گام مهم در تغییر دیدگاه دولت عثمانی نسبت به موضوع مورد بحث ما تلقی می‌شود که تغییراتی را نیز در پی داشت. انتشار «نظامنامه دائر بر تابعیت عثمانی» در سال ۱۸۶۹ و «قانون اساسی» در سال ۱۸۷۶ بیانگر و منعکس کننده این تغییر است. با این حال همانطور که از «نظامنامه مربوط به حمایت از ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عالی و اتباع ایران» در مورخ ۱۲۹۰/۱۸۷۴ برداشت می‌شود، این تغییرات شامل اتباع ایران نمی‌شود.

در ماده ۷ «نظامنامه دائر بر تابعیت عثمانی» منتشره در سال ۱۸۶۹ چنین ذکر شده که

« اگر زنی که تابعیت دولت عثمانی را دارد با یک بیگانه (تبعه دولت دیگر) ازدواج کرده باشد از تاریخ فوت همسرش سه سال فرصت دارد که با ارائه درخواست به تابعیت اصلی خود رجوع کند» این ماده نشانگر آن است که زنان تابع دولت عثمانی پس از ازدواج با اتباع دول دیگر تابعیت دولت عثمانی را از دست می‌داده‌اند؛^۱ اما اینکه این وضعیت برای کسانی که با اتباع ایرانی ازدواج کرده‌اند هم صدق می‌کند یا نه در نظامنامه مورخ ۱۸۷۴ مشخص خواهد شد.

متن نظامنامه / قانون «نظامنامه مربوط به حمایت از ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عالی و اتباع ایران» که در رابطه با ازدواج زنان تبعه عثمانی و اتباع ایران در سال ۱۸۷۴ منتشر شد به شرح زیر است:^۲

ماده اول: ازدواج تبعه دولت علیه با تبعه دولت ایران کمافی السابق اکیداً ممنوع است. (همانگونه که از قدیم اکیداً حرام و ممنوع بوده است.)

ماده دوم: کسانی که عقد نکاح را برخلاف این ممنوعیت به انجام رسانده یا در صدد آن هستند مسئول خواهند بود. (افرادی که مجاز به جاری کردن خطبه عقد هستند اگر برخلاف این ممنوعیت عمل کنند مسئول خواهند بود.)

ماده سوم: اگر یک زن تبعه دولت عالیه خلاف ممنوعیت (و برخلاف قانون) با یکی از اتباع ایران ازدواج کند، چه زن و چه فرزند او در هر حال تبعه دولت عالیه به شمار می‌روند. (تبعه دولت عثمانی هستند) و در قرعه کشی، خدمت سربازی و هر نوع تکالیف ملزم به (رعایت تعهدات قانونی) هستند. فی ۲۵ شعبان سال ۹۱ [۱۲] و فی شهریور سال ۹۰ [۱۲]

بر اساس مواد منتشره در نظامنامه ۶ اکتبر ۱۸۷۴ (بر اساس تاریخ رومی ۶ اکتبر ۱۸۷۴ و بر اساس تاریخ هجری قمری ۱۷ اکتبر ۱۸۷۴) ممنوعیت ازدواج زنان تبعه عثمانی با اتباع ایران همان گونه که قبلاً هم بحث شده بود ادامه یافت. کسانی که برخلاف این نظامنامه

1. Takvim-i Vekâyi', S 1044 (10 Şevval 1285/11 Kanunusani 1284), s. 1-2; Düstûr, Birinci Tertip, C 1, Matbaa-ı Âmire, İstanbul, 1289, s. 16-18.

2. BOA, A.DVN.DVE.d, No: 043/1, s. 17; Düstûr, Birinci Tertip, C 4, Dersa'âdet, 1299, s. 616.

عقد ازدواج را جاری کنند مجازات می‌شوند و زنانی که برخلاف این نظامنامه با اتباع ایران ازدواج کرده‌اند خود و فرزندان‌شان اتباع دولت عثمانی محسوب می‌شوند و مانند اتباع دیگر عثمانی مشمول وظایف قانونی از جمله خدمت سربازی و مالیات می‌باشند. در گواهینامه شورای دولت تنظیمات مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۸۷۴ (۴ شعبان ۱۲۹۱) که در پیوست این نظامنامه آمده است و از آن به عنوان «نظامنامه مورخ ۱۲۹۰» یاد می‌شود در مورد ممنوعیت ازدواج با اتباع ایرانی صحبت شده است. در نظام حقوقی ترکیه دلایل ادامه این ممنوعیت در قراردادی که بین وزیر امور خارجه عثمانی و سفیر ایران در ۱۹ دسامبر ۱۸۷۵ منعقد شده به شرح زیر بیان شده است:^۱

از آنجایی که ازدواج زنان دولت علیه و اتباع دولت مشارالیه (ایران) قاطعاً و قویاً منع شده است در خصوص دوام ممنوعیت این نوع ازدواج حکومت سنیه تدابیر مکمل را اتخاذ می‌نماید؛ اگر چه در قرارنامه از جمله «تصمیم واقع» در مندرجات داخلی صراحتی وجود ندارد؛ اما در بند مخصوص قرارداد ازدواج مقصود از قرارداد نشان دادن موافقت به منظور حیزالوصول کردن مقابله نامه و قضیه تحت ممنوعیت ماندن امر ازدواج (قاعده ادامه ممنوعیت ازدواج تا زمان تنظیم مقابله نامه توافق در این مورد) است. بر اساس این شرح و توضیح اگر بر اثر ازدواج اتباع دولت ایران با اتباع دولت عالیه فرزندی به دنیا بیاید کاملاً از اتباع دولت عالیه به شمار خواهد رفت و این فرزند بر اساس آن مکلف به اجرای هر نوع تکلیف و امریه است. از آن جهت که مقابله نامه بر اساس شریعت تنظیم شده و از سوی دولت ایران هیچ تمایل و تقاضایی نشان داده نشده است اجرای ممنوعیت مزبور با قاطعیت ادامه می‌یابد.

به عنوان بخشی از ممنوعیت ازدواج با ایرانیان درخواست شد تا این ممنوعیت به عاقدان و امامان محله‌ها اعلام شود تا برای جلوگیری از چنین ازدواج‌هایی قبل از جاری کردن عقد ازدواج زنان سنی تحقیقات لازم را به عمل بیاورند. منع مشابهی در مورد یهودیان نیز وجود داشت. ازدواج زنان یهودی عثمانی نیز با یهودیان خارجی (تبعه کشورهای دیگر)

1. BOA, A.DVN.DVE.d, No: 043/1, s. 17-18.

ممنوع بود.^۱

همان‌گونه که در نظامنامه منتشره در سال ۱۸۶۹ در مورد تابعیت عثمانی در خصوص حقوق شهروندی از موضوع دین ذکری به میان نیامده بود در ماده ۸ قانون اساسی که در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ لازم‌الاجرا شد نیز همین رویه ادامه دارد و می‌توان گفت که هر کس تابعیت عثمانی را داشت فارغ از مذهب و فرقه («عثمانی») نامیده می‌شده است.^۲ رویه و رویکرد دولت عثمانی در مورد این موضوع که یک زن متأهل تابعیت یک کشور دیگر را داشته باشد نمی‌توانست به طور کامل با رویه سایر دولت‌ها در آن زمان مطابقت داشته باشد. در واقع دادگاه‌های فرانسه و ایتالیا می‌توانستند تصمیم بگیرند که شهروندانی که با ترک‌ها ازدواج کرده‌اند نمی‌توانند تابعیت عثمانی را کسب کنند.^۳ این تلقی در «قانون تابعیت ترکیه» که به شماره ۱۳۱۲ در سال ۱۹۲۸ در دوره جمهوری ترکیه به تصویب رسید نیز دیده می‌شود. در ماده ۱۳ قانون چنین مقرر شده است که زنان خارجی که با ترک‌ها ازدواج می‌کنند شهروند (تابع) ترکیه می‌شوند؛ اما زنان ترکی که با خارجی‌ها ازدواج می‌کنند نمی‌توانند شهروند خارجی شوند و در تابعیت ترکیه باقی می‌مانند.^۴

۴. مشکل سربازی فرزندان حاصل از ازدواج اتباع ایرانی با زنان عثمانی

امپراتوری عثمانی با «فرمان عالی» در ۵ ژانویه ۱۸۲۱ و «نظامنامه مربوط به حمایت از ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عالی و اتباع ایران» در ۶ اکتبر ۱۸۷۴ علاوه بر تشدید ممنوعیت ازدواج زنان دارای تابعیت ترک با شهروندان ایرانی، موجب شد که فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها نیز با مشکلات مربوط به خدمت سربازی مواجه شوند. در آن دوره ضروری بود تا ترتیبی قانونی در باره خدمت سربازی فرزندان حاصل از ازدواج با

1. Süleyman Hilmi Akın, 1823-1908 Yılları Arasında Osmanlı-İran İlişkileri (44/2 Numaralı Düvel-i Enebiye Defterine Göre), Muğla Sıtkı Koçman Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, Muğla, 2018, s. 22.

2. Düstür, Birinci Tertip, C 4, Dersa'âdet, 1299, s. 4-5.

3. Tülay Ercoşkun, a.g.t., s. 141.

4. Resmi Gazete, S 904 (4 Haziran 1928), s. 5275-5277.

اتباع ایرانی از لحاظ الزام نظامی برای اتباع عثمانی اتخاذ شود. بر اساس «نظامنامه دائر بر تابعیت عثمانی» منتشره در سال ۱۸۶۹ اگر یک زن دارای تابعیت عثمانی با اتباع بیگانه ازدواج می کرد تابعیت شوهرش را به دست می آورد و فرزندان که به دنیا می آمدند نیز شهروند آن دولت محسوب می شدند و از خدمت سربازی و مسئولیت های مشابه معاف بودند؛ اما بر اساس ماده ۳ «نظامنامه مربوط به حمایت از ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عالی و اتباع ایران» مورخ ۱۲۹۰/۱۸۷۴ زنانی که با اتباع ایرانی ازدواج کرده بودند تابع ایران شناخته نمی شدند و به عنوان تبعه عثمانی پذیرفته شده بودند و لذا از آنجایی که مادر تبعه دولت عثمانی بود فرزندان که به دنیا می آمدند نیز تابع عثمانی محسوب می شدند. متن ماده دقیقاً به این شکل است: «ماده ۳: اگر یک زن تبعه دولت عالی [عثمانی] برخلاف ممنوعیت با یکی از اتباع ایرانی ازدواج کند، چه زن و چه فرزندش در هر حال تبعه دولت عالی به شمار می روند و مشمول قرعه کشی، خدمت سربازی و هر نوع تکلیف و امریه دیگر خواهند شد.»

اجرای این ماده با مشکلاتی مواجه شد و بنا به دستور مقام صدارت (وزیر اعظم) که در ۲۶ مارس ۱۸۷۵ انتشار یافت با توجه به نوشته ای مبنی بر اینکه آیا ازدواج های قبل از تصویب این نظامنامه قابل فسخ هستند یا نه، درخواست شد که مفاد ماده ۳ اعمال شود و مادر و فرزندان تابع و شهروند عثمانی محسوب شوند و مشمول انواع تعهدات مالیاتی - نظامی باشند. با توجه به این وضعیت دولت ایران از اینکه فرزندان اتباعش مشمول خدمت سربازی و تعهدات مشابهی برای دولت عثمانی باشند ناراحت بود. محسن خان سفیر ایران در استانبول طی یادداشتی به تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۸۷۵ با بیان اینکه موضوع ازدواج باید توسط معاهده [بین دو دولت] تعیین شود، ناراحتی دولت خود را از اقدام یک جانبه دولت عثمانی و صدور نظامنامه اعلام کرد. محسن خان همچنین در مورد ازدواج اظهار داشت که سفارت ایران اتباع خود را از ازدواج شرعی با زنان مسلمان منع نخواهد کرد.^۲ مشکل سربازی فرزندان زنان عثمانی که با ایرانیان ازدواج کرده بودند مدتی دو کشور

1. BOA, A.DVN.DVE.d, No: 043/1, s. 17; Düstür, Birinci Tertip, C 4, Dersa'âdet, 1299, s. 616.
2. Tülay Ercoşkun, a.g.t., s. 147.

را به خود مشغول کرد و مذاکراتی در این زمینه به عمل آمد. در همین مورد در ۱۹ دسامبر ۱۸۷۵ (۲۱ ذی‌القعدة ۱۲۹۲) در دیداری بین وزیر امور خارجه عثمانی و سفیر ایران در استانبول قراردادی در خصوص موضوع شهروندی [تابعیت] به امضا رسید که مفاد آن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:^۱ از آنجایی که اتباع ایرانی مقیم سرزمین عثمانی بیگانه یا خارجی هستند، مانند سایر اتباع خارجی از تعهداتی که فقط مختص اتباع عثمانی است از جمله خدمت سربازی فعلی یا بدلی معاف و مستثنی خواهند بود. (ماده ۶) به درخواست ایرانیانی که مایل به اخذ تابعیت عثمانی هستند طبق مقرراتی که سایر خارجیان مشمول آن هستند رسیدگی می‌شود. (ماده ۹) اگر اتباع ایرانی مایل به ازدواج با شهروندان عثمانی باشند، قرارداد جداگانه‌ای در خصوص تنظیم آن بین دو کشور منعقد خواهد شد. (ماده ۱۲) در این ماده در باره شهروندان ایرانی یا عثمانی هیچ تأکیدی بر زن یا مرد بودن نشده است. این قرارداد در مورد فرزندان حاصل از ازدواج اتباع ایرانی با زنان عثمانی حکم روشنی نداشت.

دولت عثمانی علی‌رغم مخالفت‌ها و مکاتبات طرف ایرانی در این خصوص، از نظرات قبلی خود دست برنداشت و همچنان فرزندان حاصل از ازدواج‌های غیرقانونی را دارای تابعیت عثمانی می‌دانست و آنها را مشمول تعهداتی مانند خدمت سربازی و مالیات می‌کرد. با وجود تمام اعتراضات دولت ایران، همین نگرش در ماده ۳۲ «قانون جدید استخدام نظامی» که در سال ۱۸۸۶ به اجرا درآمد منعکس شد. در حالی که اتباع کشورهای خارجی مقیم خاک عثمانی و فرزندان آنها خارجی محسوب می‌شدند و از خدمت نظامی معاف بودند، فرزندان اتباع ایرانی مستثنی شدند.^۲

هنگامی که فرزندان نظام‌العلمای ایرانی که مادرشان از اتباع عثمانی بود درخواست تابعیت و دریافت شناسنامه کردند استعلامی از استان بغداد به شورای وزیران ارسال شد تا مشخص شود چگونه در این خصوص رفتار نمایند. تصمیم متخذه جلسه شورای وزیران به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ (۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۶) چنین بود:^۳ با توجه به اینکه فرزندان

1. BOA. A.DVN.DVE.d, No: 043/1, s. 14-16.

2. Tülay Ercoşkun, a.g.t., s. 149-173.

3. BOA. M. V, 119/74.

حاصل از ازدواج اتباع ایرانی با زنان عثمانی، تبعه عثمانی محسوب می‌شوند به استان بغداد و وزارت امور خارجه تذکر داده شود که نیازی به رفتاری جز این نمی‌باشد. شهروندان ایرانی مقیم ترکیه با تمدید گذرنامه از طریق شهرداری یا کنسولگری از خدمت سربازی و تعهدات مشابه معاف بودند. با این حال در هیأت وکلا مقرر شد ایرانیانی که در طول جنگ استقلال گذرنامه و مجوز اقامت خود را تمدید نکرده‌اند به دلیل «انصراف از تابعیت ایران» مانند شهروندان ترکیه موظف به انجام خدمت سربازی هستند. (۲۸ فوریه ۱۹۲۲)^۱

۵. ایجاد و توسعه روابط دیپلماتیک بین مجلس ملی کبیر ترکیه و ایران

طی جنگ جهانی اول و بعد از آن بخشی از قلمرو ایران به اشغال نیروهای انگلستان درآمد. با توجه به نفوذ انگلستان در اقتصاد (به خصوص در امور نفتی) و حیات سیاسی ایران، برقراری ارتباط با دولت تازه تأسیس مجلس ملی بزرگ ترکیه با کمی تأخیر همراه بود. در ژوئن ۱۹۲۱ سفر هیئتی به ریاست اسماعیل علی خان شوکت به عنوان نماینده سیاسی ایران برای بازدید از آنکارا در دستور کار قرار گرفت.^۲ پس از آن در نتیجه توصیه فرماندهی جبهه شرق و تصویب وزارت امور خارجه هیأت وکیلان در جلسه ۲۸ ژوئن ۱۹۲۱ با ذکر اینکه «اهمیت تشبثات سیاسی انگلستان و بلشویک‌ها که مستقیماً به ما مربوط می‌شود زمینه را برای برقراری مناسبات سیاسی با حکومت اسلامی ایران و تعیین و اعزام سفیر فراهم می‌کند» تصمیم به اعزام سفیر به ایران گرفت.^۳ کمی بعد از آن دولت ایران ممتازالدوله را که در باکو بود به عنوان نماینده آنکارا منصوب کرد. در تلگراف ارسالی از فرماندهی جبهه شرق به وزارت امور خارجه و گزارش به نخست‌وزیر اعلام شده بود که ممتازالدوله پس از برقراری تماس‌هایی از طرف کشورش در تفلیس در ۳ اکتبر ۱۹۲۱ به آنکارا خواهد آمد.^۴

1. BCA, Fon Kodu: 030.18.01.01, Yer No: 4.50.19.
 2. BCA, Fon Kodu: 030.10.00.00, Yer No: 131.936.2.
 3. BCA, Fon Kodu: 030.10.00.00, Yer No: 260.752.5.
 4. BCA, Fon Kodu: 030.18.01.01, Yer No: 3.26.20.

پس از قطع نفوذ انگلیس این تماس‌ها آغاز می‌شود و اسماعیل‌خان ممتازالدوله به عنوان سفیر به آنکارا اعزام می‌شود. در ۲۳ ژوئن ۱۹۲۲ ورود ممتازالدوله با مراسم استقبال باشکوهی برگزار شد و وی در ۳۰ ژوئن اعتبارنامه خود را به مصطفی کمال پاشا^۱ تقدیم کرد. هم در مراسم استقبال و هم در مراسم تقدیم اعتبارنامه سخنان مثبتی در خصوص توسعه روابط دوستانه دو کشور بیان شد.^۲

نخست‌وزیر ایران و قوام‌السلطنه وزیر امور خارجه طی تلگرافی از مصطفی کمال پاشا رئیس مجلس بزرگ ترکیه به دلیل رفتار خوب با هیئت سفارت ایرانی اعزام شده به آنکارا به ریاست ممتازالدوله تشکر کردند.^۳ به همین ترتیب مراسم استقبال از محی‌الدین پاشا^۴ که به عنوان سفیر در تهران منصوب شده بود، ابراز علاقه مردم و برخورد خوب مقامات رسمی موجب رضایت و تسریع نزدیکی میان دو کشور شد. (اسفند ۱۳۰۲)^۵ در مراسم سالگرد به سلطنت رسیدن شاه در تبریز نیز چنین وضعیتی تکرار شد و شهیندر تبریز ابراز علاقه شدیدی از خود نشان داد. (فروردین ۱۳۰۲)^۶ بعد از برقراری ارتباط بین دو دولت، ترکیه در خراسان و تبریز شهیندر (کنسولگری) منصوب کرد و ادامه فعالیت کنسولگری‌های ایران در استانبول و بایزید شرقی^۷ به تصویب مجلس ملی بزرگ ترکیه رسید. (اکتبر ۱۹۲۳)^۸

در این دوره قدم دیگری برای بهبود روابط ترکیه و ایران برداشته شد و با درخواست سفارت ایران، وزارت امور خارجه مجلس ملی بزرگ ترکیه کاربرد و استفاده از واژه توهین‌آمیز «عجم» را که ترک‌ها برای ایرانیان از آن استفاده می‌کردند و باعث رنجش آنها می‌شد را ممنوع اعلام کرد. در این باره به مؤسسات و روزنامه‌های دولتی اطلاع‌رسانی

1. Mustafa Kemal Paşa

2. Cemal Güven, Milli Mücadele'de Mustafa Kemal Paşa'nın Yabancılarla Temas ve Görüşmeleri, Eğitim Yay., Konya, 2012, s. 217-223; Zeki Sarıhan, Kurtuluş Savaşı Günlüğü, C 4, TTK. Yay., Ankara, 1996, s. 491, 501, 526.

3. Arşiv Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri, s. 620-621.

4. Muhiddin Paşa

5. BCA, Fon Kodu: 030.10.00.00, Yer No: 260.752.5.

6. BCA, Fon Kodu: 030.10.00.00, Yer No: 260.752.6.

7. Doğu-beyazıt

8. BCA, Fon Kodu: 030.10.00.00, Yer No: 260.752.9.

شد و از طریق مطبوعات موضوع به اطلاع عموم رسید. (شهریور ۱۳۲۲)^۱
 در ترکیه جنگ استقلال رخ داد و دولت جدیدی تأسیس شد. محیط پرهرج و مرج و آشفته ایران با تغییر تاج و تخت بهبود یافت. رضا خان فرمانده ارتش ایران که تحولات ترکیه را از نزدیک و با تحسین دنبال می کرد از سال ۱۹۲۱ گام به گام کنترل را در دست گرفت و با سرنگونی احمدشاه قاجار به قدرت رسید. (۲۵ آوریل ۱۹۲۶) رضاشاه که از خاندان پهلوی بود تحت تأثیر آتاتورک قرار گرفته بود و برای تحقق اصلاحاتی مشابه ترکیه در کشورش اقداماتی انجام داد. هم ترکیه و هم ایران اصلاحات عمده سکولار را با تغییرات قابل توجهی در ساختار سیاسی سنتی خود اعمال کردند. رضاشاه که در بسیاری از زمینه‌ها به تغییرات چشمگیری دست یافت برای کنترل روحانیت و شکستن نفوذ آنها بر مردم و ادارات دولتی اقدامات خشنی انجام داد و تا حدی هم در این امر موفق بود.^۲
 تغییرات ایجاد شده در دو کشور راه را برای بهبود روابط ایران و ترکیه که به دلیل اختلاف و رقابت مذهبی شکننده شده بود هموار کرد.

یکی از شباهت‌های جالب، تغییر قانون مدنی در ترکیه و ایران با فاصله زمانی دو سال بود. در حالی که قانون مدنی ترکیه با الگوبرداری از قانون مدنی سوئیس در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۲۶ به تصویب رسید، ایران قانون مدنی جدید خود را در سال ۱۹۲۸ با الگوبرداری از قانون مدنی فرانسه تصویب کرد. در همین دوره رضاشاه با لغو «متمم

1. BCA, Fon Kodu: 051.00.00.00, Yer No: 8.65.18.

2. Mehmet Saray, a.g.e., s. 108-113; Rıza Kurtuluş, "Rızâ Şah Pehlevî", TDV İslam Ansiklopedisi, C 35, TDV Yay., İstanbul, 2008, s. 67; Hadi Vekili, "1920-1940 Yıllarında Ortadoğu'daki Kültürel Söylemler", Tarihten Günümüze Türk-İran İlişkileri Sempozyumu, (16-17 Aralık 2002, Konya), TTK. Yay., Ankara, 2003, s. 93-98; Homa Katouzian, "Rıza Şah Döneminde Devlet ve Toplum", Türkiye ve İran'da Otoriter Modernleşme Atatürk ve Rıza Şah Dönemleri, (Derleyenler: Touraj Atabaki, Erik J. Zürcher), İstanbul Bilgi Ün. Yay., 2012, s. 18-28; Touraj Atabaki, "Türkiye ve İran'da Hilafet, Ulema ve Cumhuriyetçilik", Türkiye ve İran'da Otoriter Modernleşme Ata-türk ve Rıza Şah Dönemleri, (Derleyenler: Touraj Atabaki, Erik J. Zürcher), İstanbul Bilgi Ün. Yay., 2012, s. 57-59.

Rıza Şah'ın tahta geçişi dolayısıyla düzenlenen taç giyme töreninde takdim edilmek üzere Türkiye Hükümeti adına süslü bir kılıç hediye edilmesi ve heyetin uçakla Tah-ran'a gönderilmesi kararlaştırılmıştır (29 Nisan 1926). Bkz: BCA, Fon Kodu: 030.18.01.01, Yer No: 18.28.6.

قانون اساسی» که تصویب قوانین خلاف شرع را ممنوع می‌کرد، گام مهمی در جهت لاییک شدن برداشت. تشابه روند هر دو کشور در زمینه قانون مدنی را نمی‌توان جدا از روند منتهی به لغو ممنوعیت ازدواج موضوع اعلامیه دانست. اگرچه در دوره آتاتورک و رضاشاه مشکلاتی مانند نقض مرزها، قاچاق و پناه بردن برخی از شورشیان علیه جمهوری ترکیه به ایران وجود داشت؛ اما دو کشور با هیچ مشکل ناشی از اختلافات مذهبی مواجه نشدند. مشکلات پیش آمده نیز از طریق دیپلماسی حل می‌شد.^۲

۵. لغو ممنوعیت ازدواج زنان شهروند عثمانی با شهروندان ایرانی

توسعه روابط ترکیه و ایران و روند سکولاریزاسیون در هر دو کشور فضای مناسبی را برای رفع ممنوعیت ازدواج زنان ترک با شهروندان ایرانی ناشی از اختلافات و رقابت مذهبی ایجاد کرد. اولین گام مهم برای این امر در سال ۱۹۲۵ برداشته شد. در همین راستا «از آن جهت که ادامه اجرای نظامنامه منع ازدواج اتباع ترکیه و اتباع ایران با آئین نامه مورخ ۱۲۹۰ مناسب تلقی نمی‌شود» موضوع در جلسه ۲۵ مارس ۱۹۲۵ هیئت وزرا مورد قبول واقع و برای تصویب به مجلس ملی بزرگ ترکیه ارجاع گردید.^۳

لایحه قانونی و اسباب موجه آن به پیوست نامه نخست‌وزیر در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۲۵ به مجلس ملی بزرگ ترکیه ارسال شد. در لایحه اسباب موجه (توجیه قانون) این جملات جلب توجه می‌کند: ازدواج اتباع جمهوری ترکیه و اتباع ایران به موجب آئین نامه قدیمی مورخ ۲۴ شهریور ۱۲۹۰ ممنوع است (که به اشتباه در روزنامه رسمی مجلس ملی بزرگ ترکیه ۲۴ مرداد ۱۲۹۰ نوشته شده است) و این ممنوعیت مبتنی بر قانون تابعیت و حقوق

1. Resmi Ceride, S 339 (4 Nisan 1926), s. 1; Tolga Gürakar, Türkiye ve İran (Gelenek, Çağdaşlaşma, Devrim), Asi Kitap Yay., İstanbul, 2019, s. 263.

2. Polat Kara, Türkiye-İran İlişkileri (1923-1960), Selçuk Ün. Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktor Tezi, Konya, 2010, s. 21-122; İbrahim Erdal, "Atatürk Dönemi (1923-1938) Türk-İran İlişkileri ve Sadabad Paktı", Karadeniz Araştırmaları, S 34 (Yaz 2012), s. 77-88; Yüksel Kaştan, "Atatürk Dönemi Türkiye-İran Siyasi ve Ekonomik İlişkileri", 38. ICANAS (Uluslararası Asya ve Kuzey Afrika Çalışmaları Kongresi) Bildiriler, C 4, Atatürk Kültür Dil ve Tarih Yüksek Kurumu Yay., Ankara, 2012, s. 1783-1797.

3. BCA, Fon Kodu: 030.18.01.01, Yer No: 13.18.6.

بین‌الملل نیست. مخالف اصول اساسی است و مستلزم ادامه آن در زمان ما نیست. به عبارت دیگر نظامنامه مربوط به ممنوعیت ازدواج اتباع ایران و ترکیه منسوخ شده است و نیز مغایرت این قانون با قانون تابعیت و حقوق بین‌الملل در این دوره (۱۹۲۶-۱۹۲۵) ادامه چنین ممنوعیتی را غیرضروری می‌نماید.^۱

لایحه ارسالی از نخست‌وزیری در جلسه ۳۰ مارس ۱۹۲۵ مجلس ملی بزرگ ترکیه برای بررسی به کمیسیون‌های امور خارجه، عدلیه و امور داخله ارجاع شد.^۲ روند پیش‌نویس قانون در کمیسیون‌ها کمی طولانی شد. در جلسه مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۲۵ کمیسیون امور خارجه تصمیم گرفته شد که پیش‌نویس لایحه ارسالی دولت به همان شکل پذیرفته شود. در جلسه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۲۶ کمیسیون عدلیه ذکر شده بود که در روزگاری که دولت با تمام روح خود تمدنی آگاهانه را پذیرفته، مخالف با احکامی است که مردم را مقید به خرافات گذشته نموده و محدود و سرگردان می‌نمایند و با نفرت‌پراکنی مانع ترقی و تعالی بین‌ملت‌ها می‌شوند و نیز تأکید شده که ادامه اعتبار اینگونه احکام را که موجب آسیب‌های دیگر می‌شود تأیید نمی‌کنند. در حالی که در ماده ۱ پیش‌نویس لایحه دولت پیشنهاد لغو ممنوعیت ازدواج ایرانیان با شهروندان جمهوری ترکیه را می‌دهد، کمیسیون عدلیه اعلام کرده که ممنوعیت ازدواج ایرانیان با «زنان ترک» باید برداشته شود. یعنی در رفع ممنوعیت بر واژه «زنان» تأکید شده است. در مورد این لایحه در یادداشت کمیسیون امور داخلی اعلام شد که «اینگونه ممنوعیت‌ها قبلاً با قانون مدنی مصوب مجلس ملی بزرگ ترکیه لغو شده است.»^۳

پس از اتمام مذاکرات کمیسیون‌ها در خصوص لایحه قانونی، لایحه در دستور کار مجمع عمومی مجلس قرار گرفت. با پیش‌نویس لایحه قانونی لغو آئین‌نامه مورخ ۲۴ شهریور ۱۲۹۰ که ازدواج اتباع ترک و ایرانی را ممنوع می‌کرد، بررسی سوابق کمیسیون عدلیه و امور خارجه در جلسه مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۲۶ مجلس ملی بزرگ ترکیه آغاز شد.

1. TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, İçtima: 88 Ekindeki Encümen Mazbataları, s. 9.

2. TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 16, s. 260.

3. TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, İçtima: 88 Ekindeki Encümen Mazbataları, s. 9-10; TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, s. 114.

کاظم (اوزالپ) پاشا^۱ که ریاست جلسه را بر عهده داشت گزارشات دو کمیسیون را در مجمع عمومی قرائت کرد. یوسف کمال (تنگیرشک) بیگ^۲ نماینده مجلس از سینوپ^۳ به نمایندگی از کمیسیون عدلیه در مورد لایحه گفت که ممنوعیت آئین‌نامه مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۲۹۰ باید برداشته شود و این رفع ممنوعیت نتیجه اصول اتخاذ شده توسط جمهوری ترکیه از مدت‌ها پیش بوده است و اعلام کرد که کمیسیون از این لایحه حمایت می‌کند. کمیسیون امور داخلی با مشترک شدن در گزارش سایر کمیسیون‌ها گزارش خود را از دستور کار مجمع عمومی خارج کرد سپس گزارش کمیسیون عدلیه برای مجمع عمومی قرائت شد و تصمیم گرفته شد که این لایحه در دستور کار مجلس ملی بزرگ ترکیه قرار گیرد.^۴

مذاکراتی در مورد پیش‌نویس قانون در جلسه ۲۰ آوریل ۱۹۲۶ مجلس ملی بزرگ ترکیه به عمل آمد. متن پیش‌نویس قانون خوانده شد و از آنجایی که کسی نمی‌خواست در مورد قانون به طور کلی صحبت کند به تصویب مواد آن رأی داده شد. مواد یک به یک قرائت شدند و چون کسی در مورد مواد صحبتی نداشت مذاکرات لایحه در مدت کوتاهی تکمیل شد. پیش‌نویس قانون برای دومین بار در جلسه مجمع عمومی مجلس ملی بزرگ ترکیه در ۲۶ آوریل ۱۹۲۶ مورد بحث قرار گرفت و از آنجا که هیچ درخواستی برای صحبت و یا پیشنهادی برای اصلاح آن وجود نداشت به رأی گذاشته و پذیرفته شد.^۵ متن قانون شماره ۸۲۴ که توسط مجلس ملی بزرگ ترکیه در ۲۶ آوریل ۱۹۲۶ به تصویب رسید و در روزنامه رسمی در تاریخ ۵ مه ۱۹۲۶ با عنوان «قانون جایگزین مقررات مورخ ۲۴ شهریور ۱۲۹۰ در مورد محافظت از ممنوعیت ازدواج اتباع ترک با اتباع ایرانی» منتشر شد به شرح زیر است:^۶

ماده نخست: ممنوعیت مربوط به ازدواج زنان ترک با ایرانیان لغو شد.

1. Kâzım (özalp) Paşa
2. Yusuf Kemal (Tengirşek) Bey
3. Sinop
4. TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, s. 114-115.
5. TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, s. 159, 215.
6. Resmi Ceride, S 364 (5 Mayıs 1926), s. 1.

ماده دوم: متولدین حاصل از این قبیل ازدواج‌ها از این به بعد در تمام معاملات تابع قوانین کلی هستند.

ماده سوم: امور دیگری که تاکنون بر اساس روال اتخاذ شده به دلیل ممنوعیت منعقد شده‌اند مانند امور تابعیت همین طور که هستند معتبر می‌باشند.

ماده چهارم: این قانون از زمان انتشار معتبر است.

ماده پنجم: وزیران دادگستری، امور خارجه و امور داخلی اجرای احکام این قانون را بر عهده دارند.

همانطور که از مواد استنباط می‌شود «ممنوعیت ازدواج زنان عثمانی با شهروندان ایرانی» که از زمان سلطان محمود دوم در سال ۱۸۲۲ وضع شد و با نظامنامه‌ای که در زمان سلطان عبدالعزیز^۱ در سال ۱۸۷۴ صادر گشت ادامه یافت، در سال ۱۹۲۶ لغو شد. ازدواج بین زنان ترک و ایرانیان تابع همان قوانین کلی ازدواج با شهروندان و اتباع کشورهای دیگر است. با این حال امور مرتبط با تابعیت و شهروندی مربوط به ازدواج زنان ترک و ایرانیان که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون منعقد شده است معتبر باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر لغو این ممنوعیت شامل امور تابعیتی می‌شود که هنوز نهائی نشده‌اند و یا بعد از ۵ می ۱۹۲۶ انجام شده‌اند.

در زمانی که پیش‌نویس قانون لغو ممنوعیت ازدواج زنان ترک و اتباع ایران در مجلس ملی بزرگ ترکیه مورد بحث بود تماس‌ها برای انعقاد پیمان دوستی میان دو کشور ادامه داشت. در پایان این مذاکرات و تماس‌ها «توافقنامه و دادیه و تأمینیه ترکیه و ایران» در ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ در تهران به امضا رسید.^۲ مشکلات میان دو کشور تا حد زیادی حل شد و روابط دو کشور با امضای پیمان سعدآباد در سال ۱۹۳۷ به سطح بسیار مهمی ارتقا یافت. ممنوعیت طولانی مدت ازدواج زنان ترک با اتباع ایرانی به دلیل تغییر رویکردهای مدیریتی دو کشور و بهبود روابط سیاسی آنها در سال ۱۹۲۶ لغو شد.

1. Sultan Abdülaziz

2. BCA, Fon Kodu: 030.18.01.01, Yer No: 19.34.3.

نتیجه:

اگرچه ازدواج یک فعالیت و نهاد در زندگی اجتماعی است؛ اما اختلافات مذهبی - فرقه‌ای، روابط سیاسی بین دولت‌ها و عوامل دیگر بر این نهاد تأثیر می‌گذارد. یکی از بارزترین نمونه‌های آن ممنوعیت ازدواج زنان عثمانی با شهروندان ایرانی است. این محدودیت و یا نهی که قبلاً در شرع و احکام ارزشی جامعه وجود داشت زمانی که امپراتوری عثمانی نمایندگی فرقه سنی و ایران فرقه شیعه را بر عهده گرفت شدیدتر شد. این ممنوعیت با انتشار «فرمان عالی» در دوره سلطان محمود دوم در سال ۱۸۲۲ پس از آنکه مشخص شد برخی از شهروندان ایرانی به علت ازدواج با زنان عثمانی دستگیر و زندانی شده‌اند رسمیت یافت.

درحالی که «نظامنامه تابعیت عثمانی» که در سال ۱۸۶۹ انتشار یافت راه را برای اخذ تابعیت شهروندان عثمانی از طریق ازدواج با اتباع یک کشور دیگر هموار کرد، قانون اساسی منتشر شده در سال ۱۸۷۶ «شهروند عثمانی بودن» افرادی که در سرزمین‌های عثمانی زندگی می‌کنند را بدون تأکید بر فرقه و مذهب به عنوان رویکردی فراگیر پذیرفت. با این حال «نظامنامه در خصوص حمایت از ممنوعیت ازدواج اتباع دولت عالیه با اتباع ایران» مورخ ۱۸۷۴/۱۲۹۰ اتباع ایران را از این شمول مستثنی دانست و تأکید شد زنان عثمانی که با شهروندان ایرانی ازدواج کرده‌اند و فرزندان حاصل از این ازدواج «شهروند ایران» به حساب نمی‌آیند و تابعیت عثمانی بودن آنها ادامه دارد. در این زمینه فرزندان حاصل از این ازدواج ممنوع مشمول انواع تعهدات مربوط به تابعیت از جمله خدمت سربازی و مالیات بودند. با وجود تمام تلاش‌های دولت ایران دولت عثمانی از این موضع دست برنداشت.

درحالی که جنگ استقلال که پس از جنگ جهانی اول در آناتولی آغاز شد راه را برای استقرار جمهوری جدید ترکیه هموار کرد، محیط متلاطم در ایران باعث تغییر تاج و تخت شد و بین سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۶ رضاشاه به سرعت مدیریت دولتی را که حرفی برای گفتن داشت در دست گرفت و با پایان دادن به سلطنت قاجار بر تخت نشست. از سال ۱۹۲۱ روند برقراری ارتباط میان مجلس ملی بزرگ ترکیه و ایران آغاز شده است و

این روابط با انتصاب متقابل سفیران هویتی رسمی یافته است. با نگرش مثبت دولت‌های دو کشور روند نزدیک شدن و همکاری در روابط ترکیه و ایران در مدت کوتاهی شتاب گرفته است. یکی از ویژگی‌های مشابه این فرایند این بود که در هر دو کشور تغییرات اساسی به سمت لائیک شدن وجود داشت. تحول در روابط سیاسی، اقتصادی و ... بین دو کشور، روند سکولاریزاسیون و کاهش نفوذ مذهب در نظام حقوقی زمینه را برای لغو ممنوعیت ازدواج زنان ترک و اتباع ایرانی در سال ۱۹۲۶ فراهم کرد.

منابع:

Akın, Süleyman Hilmi, 1823-1908 Yılları Arasında Osmanlı-İran İlişkileri (44/2 Numaralı Düvel-i Ecnebiye Defterine Göre), Muğla Sıtkı Koçman Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, Muğla, 2018.

Arşiv Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri, Başbakanlık Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı Yay., Ankara, 2010.

Atabaki, Touraj, “Türkiye ve İran’da Hilafet, Ulema ve Cumhuriyetçilik”, Türkiye ve İran’da Otoriter Modernleşme Atatürk ve Rıza Şah Dönemleri, (Derleyenler: Touraj Atabaki, Erik J. Zürcher), İstanbul Bilgi Ün. Yay., 2012, s. 41-59.

Atçıl, Abdurrahman, “Karen M. Kern, The Prohibition of Sunni-Shi’i Marriages in the Ottoman Empire: A Study of Ideologies”, Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi, C 3, S 5 (2005), 849-854.

Başbakanlık Cumhuriyet Arşivi

Başbakanlık Osmanlı Arşivi

Düştür, Birinci Tertip, C 1, Matbaa-ı Âmire, İstanbul, 1289.

Düştür, Birinci Tertip, C 4, Dersa’âdet, 1299.

Ercoşkun, Tülay, Osmanlı İmparatorluğu’nda 19. Yüzyılda Evlilik ve Nikâha Dair Düzenlemeler, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış Doktora Tezi, Ankara, 2010.

Erdal, İbrahim, “Atatürk Dönemi (1923-1938) Türk-İran İlişkileri ve Sadabad Paktı”, Karadeniz Araştırmaları, S 34 (Yaz 2012), s. 77-88.

Fetâvâ-yı Hindiyeye (Fetâvâ-yı Alemgiriyye), C 2, (Tercüme Eden: Mustafa Efe, Yay. Haz: İsmail Karakaya), Akçağ Yay., Ankara, Tarihsiz.

Gürakar, Tolga, Türkiye ve İran (Gelenek, Çağdaşlaşma, Devrim), Asi Kitap Yay., İstanbul, 2019.

Güven, Cemal, Millî Mücadele’de Mustafa Kemal Paşa’nın Yabancılarla Temas ve Görüşmeleri, Eğitim Yay., Konya, 2012.

Karakoç, Sarkis, Külliyyât-ı Kavânîn Fihrist-i Tarihî, (Kavânîn ve Nizâmât ve Ferâmîn ve Bervât ve İrâdât-ı Seniyye ile Muâhedât ve Umûma Ait Mukâvelâtı Muhtevîdir) C 1 (16 Mu-harrem 855 - 3 Şaban 1293, 1451-1876), Yay.Haz: M. Âkif Ay-dın, Fethi Gedikli, Mehmet Akman, Ekrem B. Ekinci, M. Macit Kenanoğlu), TTK.Yay., Ankara, 2006.

Kaştan, Yüksel “Atatürk Dönemi Türkiye-İran Siyasi ve Ekonomik İlişkileri”, 38. ICANAS (Uluslararası Asya ve Kuzey Afrika Çalışmaları Kongresi) Bildiriler, C 4, Atatürk Kültür Dil ve Tarih Yüksek Kurumu Yay., Ankara, 2012, s. 1783-1797.

Katouzian, Homa, “Rıza Şah Döneminde Devlet ve Toplum”, Türkiye ve İran’da Otoriter Modernleşme Atatürk ve Rıza Şah Dönem-leri, (Derleyenler: Touraj Atabaki, Erik J. Zürcher), İstanbul Bilgi Ün. Yay., 2012, s. 13-39.

Kur’ân-ı Kerîm, Bakara Suresi (2), Ayet: 221.

Kur’ân-ı Kerîm, Mümtahine Suresi (60), Ayet: 10.

Kurtuluş, Rıza, “Rızâ Şah Pehlevî”, TDV İslam Ansiklopedisi, C 35, TDV Yay., İstanbul, 2008, s. 67.

Mehmet Saray, Türk-İran İlişkileri, Atatürk Araştırma Merkezi Yay., Ankara, 1999.-

Öz, Mustafa, «Râfizîler», TDV İslam Ansiklopedisi, C 34, TDV Yay., İstanbul, 2007, s. 396-397.-

Özcan, Azmi, “Nâdir Şah”, TDV İslam Ansiklopedisi, C 32, TDV Yay., İstanbul, 2006, s. 276-277.-

Pakalın, Mehmet Zeki, Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü, C 1, MEB Yay., İstanbul, 1993, s. 233.

Polat Kara, Türkiye-İran İlişkileri (1923-1960), Selçuk Ün. Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktor Tezi, Konya, 2010.

Resmi Cerîde, S 339 (4 Nisan 1926).

Resmi Cerîde, S 364 (5 Mayıs 1926).

Resmi Gazete, S 904 (4 Haziran 1928).

Sarihan, Zeki, Kurtuluş Savaşı Günlüğü, C 4, TTK. Yay., Ankara, 1996, s. 491, 501, 526.

Sasanî, Han Melik, Payitahtın Son Yıllarında Bir Sefir, (Tercüme: Hakkı Uygur), Klasik Yay., İstanbul,.

Soofizadeh, Abdolvahid, “I. ve II. Erzurum Antlaşmalarının Siyasi Açısından Değerlendirilmesi”, Tarih Araştırmaları Dergisi, S 54 (2013) s. 183-194.

Takvim-i Vekâyi’, S 1044 (10 Şevval 1285/11 Kanunusani 1284), s. 1-2.

TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 16.

TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, İçtima: 88 Ekindeki Encümen Mazbataları, s. 9.

TBMM Zabıt Ceridesi, Devre: 2, C 24, s. 114.

Üzüm, İlyas, «Takrîbü'l-Mezâhib», TDV İslam Ansiklopedisi, C 39, TDV Yay., İstanbul, 2010, s. 467-469.

Vekili, Hadi, “1920-1940 Yıllarında Ortadoğu’daki Kültürel Söylem-

ler”, Tarihten Günümüze Türk-İran İlişkileri Sempozyumu, (16-17 Aralık 2002, Konya), TTK. Yay., Ankara, 2003, s. 87-103.

Yavuz, Yusuf Şevki, “Ehl-i Sünnet”, TDV İslam Ansiklopedisi, C 10, TDV Yay., İstanbul, 1994, s. 525-530.